



۲۰۲۴ / ۱ / ۲۷

کانديد اکادميسين سيستاني

از دست رفتن سيستان، علت اصلي نفرت اميرشیر علی خان از انگلیسها

(قسمت دوم)

پیامدهای تجاوز دوم انگلیس بر افغانستان

۱- تحمیل معاهده گندمک :

انگلیسها پس از آنکه کابل را اشغال کردند، امیر محمد یعقوب خان پسر بیمار و تازه از بند رها شده امیر را از کابل به گندمک خواستند و او را مجبور ساختند تا در پای معاهده ای امضا بگذارد که متن آنرا خود انگلیسها تهیه کرده بودند. در معاهده گندمک که به تاریخ ۲۶ می سال ۱۸۷۹ از سوی امیر محمد یعقوب خان و کیوناری نماینده هند برتانوی به امضا رسید ، در ماده نهم آن چنین آمده است :

« چون بین هر دو حکومت طبق این معاهده دوستی برقرار شده است. حکومت برتانیه شهر های قندهار و جلال آباد و علاقه های را که اکنون تحت اشغال قشون برتانوی قرار دارد تخلیه کرده و واپس میسپارد. به استثنای گرم، پشین و سیبی که تحت تسلط و انتظام برتانیه است، اما این سلطه دایمی نبوده و مالیات آن بعد از وضع مصارف داخلی سالانه به امیر افغانستان پرداخته خواهد شد. حکومت برتانیه انتظام « میچنی » و « خیبر » را که بین پشاور و جلال آباد واقع است ، در دست خود میگیرد و هم انتظام امور رفت و آمد قبایلی را که در این دو منطقه تعلق دارند، برتانیه به دست خود خواهد داشت.»^۱

علاوتاً در ماده ۳ معاهده گندمک میخوانیم: «امیر افغانستان و متعلقات آن متعهد است که در روابط با حکومت های خارجی پابند مشوره با حکومت برتانیه بوده و با این حکومت عهدی نبندد و سلاح بر ضد شان نبرداری و در صورت حمله خارجی امداد نظامی و اسلحه و پول انگلیس بغرض دفاع، طوریکه انگلیس مناسب داند، استعمال خواهد شد...»^۲

اما شش ماه بعد از تجاوز دوم انگلیس بر افغانستان مردم کابل و حومه بربالا حصار کابل یورش بردند و کیوناری سفیر انگلیس را با تمام محافظین وی در آتش سوختند. از آنسواز هرات ، سردار ایوب

۱ - غبار، در مسیر تاریخ، ج ۱، ص ۶۱۱

۲ - غبار، در مسیر تاریخ، ج ۱، ص ۶۱۰

خان پسر امیر شیرعلیخان ، در اوایل جولای ۱۸۸۰ انگلیسها را در جنگ میوند بسختی شکست داد و قندهار را در محاصره گرفت.

ظهور امیر عبدالرحمن خان در صحنه سیاسی کشور:

هنگامی که وضع در افغانستان بر اثر دومین تجاوز انگلیس رو به وخامت نهاده بود، سردار عبدالرحمن خان از تاشکند به عزم شرکت در جهاد افغانستان و کسب قدرت کمر بست و با ورود به بدخشان مشکلات را با سر پنجه شجاعت و تدبیر از سر راهش پس کرد و با نیروهای هوادار خود وارد چاریکار شد و خود را پادشاه افغانستان اعلان نمود. در اینجا، گریفن نماینده سیاسی انگلیس به ملاقات او رفت و تصمیم حکومت هند بر تانوی را به وی روشن ساخت که :

" در باب مملکت افغانستان به من امر شده است اظهار بدارم که تمام ولایت قندهار به حکمران مستقلی تفویض شده غیر از محالات پشین و سییی که به تصرف خود دولت انگلیس خواهد بود. علیهذا دولت انگلیس در این مسائل و در باب قراردادی که با امیر محمد یعقوب خان داده است (منظور معاهده گندمک است) نمیتواند تجدید مذاکراتی با شما بنماید. با این مستثنائات دولت انگلیس مایل است شما اقتدار کامل و مبسوط خود را بر افغانستان چنانکه قبلاً امرای خانواده شما داشته اند، مستحکم نمائید.^۳"

گریفن علاوه کرد:

"فرمانفرمای هندوستان بمن اجازه داده اند به شما اظهار بدارم از آنجائی که دولت انگلیس قبول نمیکند دول خارجی در افغانستان حسن مداخله داشته باشند و نیز دولت ایران و دولت روس قول داده اند که از مداخله نمودن در امور افغانستان احتراز نمایند، واضح است که حضرت والای شما نمیتوانید غیر از دولت انگلیس با دیگر دولت خارجی روابط پولیسیکی داشته باشید..."^۴

گریفن در همین دیدار اظهار میکند که جنرال رابرتس عازم قندهار است و خودش با بقیه سپاه خود عازم پشاور میگردد و از امیر میخواهد به کابل آمده زمام امور را بدست گیرد. امیر که دید انگلیسها از در مذاکره و مصالحه پیش آمده و آمادگی خود را برای تسلیمی تخت سلطنت به او و خروج خود از افغانستان اعلام میدارند، او هم که از خدا چنین چیزی را میخواست، شرایط انگلیس را مبنی بر قبول معاهده گندمک و مشورت با انگلیس در امور خارجی، از چاریکار به کابل رفت و در

^۳ - تاج التواریخ، ج ۱، ص ۲۰۰

^۴ - تاج التواریخ، ج ۱، ص ۲۰۳ - ۲۰۴

یک ملاقات پانزده دقیقه‌ای از نماینده انگلیس گریفین تقاضا نمود تا سی عراده توپ موجود در شیرپور را با پولی که انگلیسها به عنوان مالیات از مردم گرفته بودند و بالغ به ۱۹ لک روپیه میشد به او تسلیم نمایند و نیز قلعه‌های که انگلیسها در شیرپور ساخته بودند، تخریب نکنند. گریفین این خواهش امیر را قبول نموده و متعاقباً با بقیه سربازان و افسران خود در اوایل رمضان ۱۲۹۷ هجری (نیمه اگست ۱۸۸۰) عازم پشاور شد.^۵

۳- اشغال مرو، پنجده و یامیر از جانب روسها:

روسها که دیدند انگلیسها از آنها جلو افتاده‌اند و با تحمیل معاهده گندمک بخش‌هایی از پیکر افغانستان را متصرف شده‌اند، آنها نیز در سال ۱۸۸۴ با اعزام قوت‌های نظامی خود مرو، سرخس و پل خاتون و قزل تپیه را اشغال نمودند. چون هنوز امیر عبدالرحمن خان در داخل افغانستان مصروف جنگ با مخالفان و سرکشان و میران و خوانین مرکز گریز بود، روسها بار دیگر دست تخطی دراز کردند و در سال ۱۸۸۵ بر پنجده و آق تپیه، چمن بید و چشمه سلیم حمله کردند و پس از نبردی کوتاه، اما خونین از تصرف سربازان افغانی خارج ساختند و به قلمرو امپراتوری تزاری ملحق نمودند.

" با اشغال پنجده نیروهای نظامی هر دو ابر قدرت وقت به حالت تیاری در آمدند ولی بعد از مدت کوتاهی وارد نوعی از سازش و مصالحه شدند، بدین معنی که روسها خواهان اشغال واحه پنجده بودند و برتانوی‌ها معتقد بودند که با اشغال پنجده، روسها بسنده خواهند کرد، بدون اینکه پای هیچ افغانی در بین باشد. کمیسیون مشترک تحدید سرحدی روسیه - برتانیه با هم توافق نمودند که هر کدام ساحات متصرفه موجوده خویش را در اختیار خود داشته باشد. بر مبنای همین توافق بود که سرحد دایمی شمال افغانستان خط کشی شد و دریای آمو منحیث خط سرحدی افغانستان شناخته شد. بدین ترتیب افغانستان قسمت‌های زیاد خاک خود به خصوص پنجده را از دست داد. بخش دوم منازعه سرحدی زمان امیر عبدالرحمن خان در دهلیز سرحدی و اخان به وقوع پیوست. انگلیسها امیر عبدالرحمن خان را زیر فشارهای شدید قرار دادند تا استقلال این ناحیه دور افتاده را که محل آمد و رفت قرغزها بود بپذیرد، امیر چاره دیگر نداشت مگر اینکه به تصمیم کمیسیون تحدید سرحدی روسیه - برتانیه پیرامون دورترین نقطه شمالی کشور تن در دهد که با چین همسرحد است (چین تا سال ۱۹۶۴ این نقطه را منحیث نقطه سرحدی به رسمیت نه می‌شناخت)."^۶

^۵ - تاج التوارخ، ص ۲۰۴

^۶ - رحمت آریا، امیر عبدالرحمن خان، امیر آهنین، افغان جرمن آنالین، فیروزی ۲۰۱۱

یکی از ساحات مرتفع، و صعب العبور بدخشان افغانستان ارتفاعات پامیر است. ارزش این منطقه هنگامی مورد توجه قرار گرفت که از یک طرف چین بر ترکستان شرقی دست یافت و از طرف دیگر روسیه تزاری حدود متصرفاتش را تا مبداء رود آمو وسعت بخشید و از جانی هم انگلیسها درهند تا منطقه چترال پیش رفتند. این انکشافات، از زمان اوج بازی بزرگ (دهه هفتاد قرن نهم) ببعده، به صفت يك مساله مورد منازعه میان روسیه تزاری و حکومت هند برتانوی کسب اهمیت کرد.

روسها تنها به اشغال ارتفاعات پامیر قناعت نکردند، بلکه در سالهای بعد برای اشغال مناطق روشن و شغنان پامیر نیز اشکال تراشی میکردند. امیر عبدالرحمن خان میگوید: " . . دولت روس، در باب ولایت روشن و شغنان، مشغول فراهم آوردن اشکالات برای من بود. به جهت قطع و فصل تمام همین مناقشات و زحمات بود که سفارتی را به ریاست «سر مارتیمور دوراند» به کابل دعوت نمودم."^۷

امیر متذکر میشود که روسها در نظر داشتند مرغاب را نیز متصرف شوند، و میدانستم که اگر روس ها را به کار خود شان واگذارم، شهر به شهر را پشت سرهم گرفته و به عساکر من که در سرحدات می باشند حمله خواهند نمود و آنوقت جلوگیری از آنها اشکال دارد، ولی خوشبختانه این مرتبه مامورین افغانستان، چنان درسی به روسها آموختند که همیشه نمیتوانند به میل خود شان رفتار نمایند. جنرال سید شاه خان با آتش فشانی زیاد عساکر خود جواب توپ روسها را داد، روس ها همین که دیدند سربازهای من آماده کارند و این دفعه بازیچه نیستند، عقب نشسته فتح را به افغانها دادند. این فتح بر شئون لشکر افغانی خیلی افزود و از آن وقت معلوم میشود روسها تخطیات خود را در خاک افغانستان موقوف نموده اند و این اتفاق آخرین، [نتیجه] زد و خورد طرفین بود.^۸

باشدت گرفتن بازی بزرگ، روسیه وانگلیس وارسال تلگرام تهدید آمیز ملکه انگلیس به تزار روس، قشون روسی از تجاوز و پیشروی بیشتر به خاک افغانستان خود داری نموده حاضر شدند نماینده خود را برای مذاکرات تعیین سرحد شمال غربی افغانستان به لندن بفرستند. مذاکراتی که به قرارداد سال ۱۸۸۷ بین هند بریتانوی و روسیه تزاری انجامید و به اساس آن خط سرحدی شمالی تا ۱۸۸۷ تثبیت و علامه گذاری شد، و دولت روس در داخل سرحدات جدید خود متوقف گردید.

^۷ - تاج التواریخ، ج ۲، ص ۴۱۸

^۸ - تاج التواریخ، ج ۲، ص ۲۷۱

۴-تحلیل معاهده دیورند در ۱۸۹۳:

انگلیسها قبل از امضای معاهده دیورند، اوضاع را به نفع خود در طول سرحدات افغانستان مغشوش ساختند و باعث خون ریزی های بسیاری بین مردم سرحد گردیدند.

امیر عبدالرحمن خان میگوید: حکومت هندوستان در موقع بسیار نازکی، یعنی هنگامی که هزاره جات به شورش برخاسته بود و این شورش هر روز دامنه دار تر میگردد و خوف شورش عمومی در مملکت باعث پریشانی من شده بود، در چنین موقعی کمکی که از هندوستان بمن رسید التیماتومی بود به این مضمون که: «دولت هندوستان نمیتواند به جهت وعده های مبهم و نامعلوم شما برای دعوت نمودن سفارت انگلیس به کابل، انتظار بکشد، لهذا لاردر رابرتس سپهسالار هندوستان با لشکر زیادی جهت محافظت او به کابل فرستاده میشود.»

امیر به همین ارتباط متذکر میشود: من در این وقت مشغول جنگ با هزاره ها بودم و میدانستم که مردم افغانستان از جنرال رابرتس خاطره خوشی ندارند و می ترسیدم که آمدن جنرال رابرتس با لشکر زیاد برایم درد سر آفرین شود و از طرفی چون شخص نظامی است و با شخص نظامی به توافق رسیدن خالی از اشکال نیست، پس بهتر دانستم که برای انجام مذاکرات سرحدی با شخص دیپلماتی مواجه باشم. [بجواب التیماتوم ویسرا] فوراً مراسله ای به ویسرا نوشتم و در آن تذکر دادم که سرسالتر پاین "Sir Salter Pyne" (یکی از مستخدمین انگلیسی در ماشین خانه کابل) به ملاقات شما می آید تا در باب سفارت مذکور ترتیبات لازم را صورت بدهد و درعین حال از فرمانفرما خواهش نمودم تا نقشه ای را که خطوط سرحدی را مشخص میکند برایم بفرستد. مقصود من از ارسال این مراسله این بود که حکومت هندوستان را نگذارم در این باب اقدامات بزرگی به عمل بیاورد.^۹

امیر میگوید: "علاوه براین، دولت روس، در باب ولایت روشان و شغنان، مشغول فراهم آوردن اشکالات برای من بود. به جهت قطع و فصل تمام همین مناقشات و زحمات بود که سفارتی را به ریاست سرمارتیموردورند به کابل دعوت نمودم. هیئت انگلیسی نخست مسئله سرحد شمال شرقی افغانستان با روسیه را پیش کشید و اظهار داشت که چون دو دولت روس و انگلیس قبلاً به موافقه رسیده اند که رودخانه پنج (آموی علیا) در این قسمت سرحد شمالی افغانستان شناخته شود، امیر باید مناطقی را که در شمال رودخانه پنج در تصرف خود دارد، تخلیه کند. امیر اظهار داشت در صورتیکه روسها مناطق درواز واقع در سمت چپ رودخانه آمو را به افغانستان تسلیم کنند آنرا قبول میکند. دیورند این شرط را پذیرفت و موضوع توسط موافقتنامه ۱۲ نومبر ۱۹۹۳ تسجیل یافت. روسها سه سال بعد در ۱۸۹۶ مواضع تنگی، کوفاء، واهان از مضافات درواز، روشان و شغنان بدخشان که قبلاً

^۹ - تاج التواریخ، ج ۲، ص ۴۱۵-۴۱۶

غصب کرده بودند به افغانستان مسترد نمودند.^{۱۰} سپس هیئت موضوع تعیین سرحد بین افغانستان و هند را مطرح ساخت. نتیجه مذاکرات که با کندی و بدگمانی پیش میرفت سرانجام به موافقنامه مورخ ۱۲ نومبر در مورد سرحد شرقی و جنوبی افغانستان از واخان تا سرحد ایران انجامید که بنام خط دیورند شهرت یافت. بموجب این موافقت نامه امیر از مناطق سوات، باجور، چترال، وزیرستان و چمن صرف نظر کرد و در مقابل تصدیق انگلیس را در مورد اینکه دره کنر تا اسمار و علاقه برمل در وزیرستان جزء افغانستان می باشد بدست آورد. طرفین موافقت نمودند تا حد بخشی در خود محل توسط هیئت های مختلط صورت بگیرد.^{۱۱}

نتیجه :

چنانکه شرح داده شد، انگلیس ها در قرن ۱۹ دوبار برافغانستان تجاوز کردند و با آنکه در هردو تجاوز خود، سرانجام پراثر مقاومت و جانبازی مردم افغانستان دچار شکست و تلفات سنگین و مجبور به ترک این کشور شدند، اما در هردو مرتبه دست خالی از افغانستان برنگشتند.

در مرتبه اول، تمام سرزمین های افغانستان را که شاه شجاع قبل از رسیدن به تخت سلطنت کابل ، بموجب معاهده اتحادمثلث در ۱۸۳۸ به سیکها واگذار شده بود، مانند: کشمیر، پشاور، ملتان، دیره جات و غیره، برای دایم از افغانستان جدا و در تصرف خود گرفتند.

در مرتبه دوم، پراثر معاهده گندمک درمی ۱۸۷۹ با امیرمحمد یعقوب خان ، سرزمین های سیبی، پشین، کرم، سوات، باجور، چترال، باشگل، در دست انگلیس ها باقی ماند و در قرارداد نومبر ۱۸۹۳ با امیر عبدالرحمن افزون بر مناطق متذکره معاهده گندمک مناطق سوات، باجور، چترال، وزیرستان و چمن و کویته نیز به انگلیسها تعلق گرفت.

بنابراین میتوان گفت که از دست رفتن قسمتی از سیستان در غرب کشور که باعث خشم و نفرت امیرشیرعلیخان از انگلیسها گردیده بود و امیر حاضر نمیگردید با انگلیسها روابط حسنه داشته باشد با لآخره این کشیدگی ها موجب شد تا انگلیس ها برای برای دومین مرتبه برافغانستان تجاوزکنند و نه تنها امیر شرعلی خان را از کابل گم کنند بلکه با تحمیل معاهده گندمک سرزمین های قبایل را اشغال نمایند و از آن بحیث دومین سپر بلای حمله احتمالی روس ها به افغانستان استفاده نمایند.

روسها نیز فتنی دیدند که انگلیسها مناطق قبایلی را تحت تصرف گرفته اند، برای آنکه از رقیب خود

۱۰ - غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، ص ۶۹۱، ۶۸۰

۱۱ - تاج التواریخ، ج ۲، ص ۴۲۰ - ۴۲۱، مقایسه شود با سراج التواریخ، ج ۳، ص ۲۶۱ - ۲۶۲

عقب نمائنده باشند از آنسوی امودریا به حرکت افتادند و مناطق پنجده، مرو، سرخس، پل خاتون، آق تپیه، شغنان و روشن پامیر از خاک افغانستان را اشغال نمودند.

در نتیجه میتوان گفت که مخالفت امیر شیرعلی خان با انگلیس ها و نزدیکی با روسیه عواقب خطرناکی برای امیر شیرعلیخان در پی داشت که منجر به دومین تجاوز، انگلیس بر افغانستان و مرگ امیر شیرعلیخان از غم فریب خوردن به وعده های میان تھی روسها و تحمیل معاهده گندمک و پارچه پارچه شدن افغانستان به شش هفت قسمت گردید.

در اوضاع و شرایطی که نظم عمومی دولتمداری از هم گسیخته بود و از دولت مرکزی نشانی نبود و بر هر قسمت افغانستان یک خان و بیگ محلی حکم میراند، پیدا شدن سر و کله امیر عبدالرحمن خان در وطن نعمتی بزرگ بود تا افغانستان را دوباره احیاء کند و جلو خود سری های ملوک الطوائفی را در کشور بگیرد. امیر عبدالرحمن در مقابله با مخالفان خود با اعمال روش خشونت آمیز موفق به تامین امنیت و وحدت دوباره کشور گردید.

اما از آغاز دهه ۹۰ قرن ۱۹ امیر با انواع دسایس و فشارهای سیاسی از جانب انگلیس روبرو گردید و مجبور شد برای حفظ افغانستانی که او با چنگ و دندان بوجود آورده بود تن به امضای معاهده دیورند بدهد و قسمت های را که قدرت های استعماری تصرف کرده بودند به آنها واگذار کند و الیایا تهاجم مجدد انگلیس روبرو می شد و ممکن بود قندهار یا ننگرهار را ذهم از دست بدهد.

محقق افغان آقای سنکروال مینویسد که انگلیسها هنگام امضای معاهده دیورند امیر عبدالرحمن خان را چنان تحت فشار قرار دادند که برای امیر جای پای نمائنده بود تا بر آن ایستاده شود و امیر مجبور شد بفرق سرایستاده شود، زیرا:

۱- لشکر ۳۰ هزار نفری انگلیس در امتداد سرحدات آماده حمله بر افغانستان قرار گرفته بود؛

۲- در میچینی جنجال های قومی و مذهبی بوقوع پیوسته بود،

۳- درشینوار و اتمازی جنگ های قومی جریان داشت،

۴- در بدخشان مشکلات شغنان و روشن جریان داشت،

۵- در راولپندی سردار ایوبخان مدعی سلطنت کابل حضور داشت. («-[https://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/Sengerwal_sh_durand](https://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/Sengerwal_sh_durand.pdf)).

امیر عبدالرحمن پادشاهی با درایت و با کفایتی بود که بر عکس امیر شیرعلی خان با انگلیس ها در نیفتاد و با امضای معاهده دیورند افغانستان موجوده را از تهاجم مجدد انگلیس نجات داد. حال ما مرد شویم و افغانستان موجوده را از خطر همسایه گان بدخواهی چون پاکستان نجات بدهیم.

د پانو شمیره: له ۷ تر ۸

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

پاکستانی که در پنج دهه اخیر توسط تنظیمهای هفتگانه و طالبان نگذاشته آب خوش از گلوی اردوی ملی و دولت افغانستان پایین شود در زیر ریش اردوی ۳۵۰ هزاری بدون تشویش از عکس العمل رسمی دولت سهامی اشرف غنی و دبل عبدالله، طی سالهای ۲۰۱۷ و ۲۰۲۱ خط دوم دیورند را ۲۵ کیلومتر از نقطه صفری خط دیورند تحمیلی بداخل خاک ماجلوتر آورد و با نصب سیم خاردار سرحد خود را مشخص ساخته است.

با یک محاسبه سرانگشتی دیده میشود که نواری بعرض ۲۵ کیلومتر و طول ۲۶۰۰ کیلومتر یعنی (۶۵۰۰۰ کیلومتر مربع) از خاک افغانستان را اشغال و ضمیمه قلمرو خود کرده است و به ملاحظه اسناد تصویری در منطقه جلالزی از خاک ما یک میدان هوایی نظامی نیز احداث کرده است.

لینک ذیل سند اشغال خاک ما توسط پاکستان است آنرا ببینید!

<https://www.facebook.com/?/۱۸۲۶۶۷۹۲۸۱۰۵۹۹۸۰/videos/۱۰۰۰۸۹۶۶۱۴۶۹۲۹۳>

با دیدن چنین حالتی آیا خنده دار نیست که برامیر عبدالرحمن خان انتقاد کنیم ولی بر تجاوزات پاکستان و چپ گرفتن دولت افغانستان در برابر این تجاوزات چشم بپوشیم؟

پایان

د پانو شمیره: له ۸ تر ۸

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلېکنې دلېکنيزې بنې پازوالي دلېکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ